



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش‌های سیاسی

بحران قره باغ و متغیرهای دخیل



فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صدا و سیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: فرشته مقدم

۲	* نکات برجسته
۲	* مقدمه
۳	* طرح مسئله
۴	* جغرافیای منطقه
۴	وسعت
۴	جمعیت
۴	نواحی
۴	* پیشینه مناقشه
۷	* مدل درگیری قره باغ
۷	* متغیرهای مداخله گر و شعله ور شدن جنگ
۸	الف. عوامل داخلی
۸	بحران اقتصادی و اجتماعی ناشی از کرونا
۹	موقعیت ژئوپلیتیک تاووش
۹	ب. عوامل خارجی
۹	آمریکا
۱۰	رژیم صهیونیستی
۱۰	* ناکامی گروه مینسک در حل بحران
۱۱	* گریزی بر اظهارات مقامات و کارشناسان سیاسی مبنی بر ناکارآمدی گروه مینسک
۱۱	
۱۱	* آینده درگیری ها
۱۲	* نقش ایران در حل بحران قره باغ
۱۲	* جمع بندی

- ❖ آغاز مناقشه میان دو طرف بر سر منطقه قره باغ کوهستانی در سال ۱۹۸۸ میلادی و به درگیری نظامی کشیدن آن در سال ۱۹۹۲
- ❖ به رسمیت نشناختن قره باغ به عنوان "جمهوری خودخوانده" و استفاده از لفظ "خودمختار" در مکالمات رسمی و غیر رسمی در جهان
- ❖ جدایی خودمختاری ناگورنو قره باغ از آذربایجان و پیوستن آن به ارمنستان طی سالهای ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۱ (با اجرای برنامه‌های گلاسنوست و پروستریکا گورباچف)
- ❖ برقراری وضعیت «نه جنگ و نه صلح» از سال ۱۹۹۴ تاکنون در منطقه قره باغ و مرزهای مشترک آذربایجان و ارمنستان
- ❖ صدور چهار قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل و یک قطعنامه پارلمان اروپا درباره مناقشه قره باغ و ناکارآمدی آن‌ها در حل بحران
- ❖ نقش عوامل داخلی و بازیگران ذی نفوذ در وقوع و امتداد درگیری میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان
- ❖ "بحران کرونا" و "موقعیت ژئوپلیتیک تاووش" از عوامل داخلی درگیری بین باکو-ایروان
- ❖ نقش مخرب رژیم صهیونیستی در "تحریک"، "تشدید" و "جنگ افزوزی" با هدف فروش تسلیحات در منطقه با تأکید بر مناقشات قره باغ
- ❖ زیاده خواهی‌های آمریکا و واسطه‌گری رژیم صهیونیستی برای فشار به روسیه
- ❖ ناکامی گروه مینسک در حل بحران به دلیل ترکیب ناعادلانه گروه و مواضع متضاد بازیگران از جمله روسیه و آمریکا
- ❖ ضرورت انتخاب یک فرمت جدید میانجیگری برای برقراری صلح در منطقه با حضور فعال کشورهای منطقه و به ویژه کشورهای بی‌طرف

*** مقدمه**

جمهوری آذربایجان و ارمنستان در چند دهه گذشته درباره حاکمیت بر منطقه مورد مناقشه قره باغ اختلاف داشته‌اند؛ اختلافی تاریخی که به فروپاشی امپراتوری نیکلای دوم، انقلاب روسیه (۱۹۱۷) و ظهور دولت‌های مستقل در قفقاز در سال‌های آخر جنگ جهانی اول برمی‌گردد. تداوم اختلاف‌های قومی و ارضی میان این دو کشور در سال ۱۹۸۸ موجب وقوع جنگ قره باغ شد. قره باغ از نظر منافع راهبردی برای ارمنی‌ها و آذربایجانی‌ها به یک اندازه اهمیت دارد. این منطقه مرز طبیعی مسلطی است که سلطه هر کدام بر آن، دیگری را در موضع ضعف قرار می‌دهد. بار دیگر در اوایل آوریل ۲۰۱۶ درگیری‌های خونینی بر سر قره باغ میان دو کشور رخ داد که دست کم ۱۱۰ نفر از هر دو طرف کشته شدند. حالا پس از گذشت چهار سال بار دیگر آتش اختلاف بین دو کشور برای چندمین بار زبانه کشیده است. منطقه «قره باغ کوهستانی» (ناگورنو قره باغ) بار دیگر صحنه درگیری و زد و خورد نیروهای ارتش ارمنستان و جمهوری آذربایجان شده و شبح جنگ بار دیگر بر این منطقه سایه افکنده است. و وزارت دفاع آذربایجان بامداد یکشنبه ۶ مهر ۱۳۹۹ اعلام کرد که مواضع و شهرک‌های مرزی این کشور از سوی نیروهای مسلح ارمنستان هدف خمپاره قرار گرفته که تلفاتی از میان نظامیان و غیرنظامیان به همراه داشته است که باکو نیز دست به اقدامات تلافی‌جویانه زده است. در حالی که دو طرف، یکدیگر را آغازگر جنگ معرفی می‌کنند، باکو و ایروان "حالت جنگی" اعلام کرده‌اند.

حدود سه ماه پیش نیز در روز ۱۲ جولای (۲۲ تیر)، وزارتخانه‌های دفاع جمهوری آذربایجان و ارمنستان از درگیری در منطقه تاووش^۱ که مرز رسمی جمهوری آذربایجان و ارمنستان است و مناقشه‌ار ضی بر سر قره‌باغ شامل حال آنجا نمی‌شود، خبر دادند و دو طرف همدیگر را به نقض آتش بس و شروع درگیری متهم کردند. این تداوم بحران و مناقشه، تحلیل‌ها در باره علل و همچنین حل و فصل آن را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. چراکه وضعیت سیاسی - نظامی قبل از وقوع این درگیری در شرایط متفاوتی با موارد مشابه سال‌های قبل روی داده است. پیش از آن، خبری مهمی در فضای رسانه‌ای ارمنستان و جمهوری آذربایجان منتشر شد که از ورود عملیاتی رژیم صهیونیستی به مناقشه موجود ارمنستان و جمهوری آذربایجان حکایت داشت. حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که در شرایط کنونی علل و متغیرهای تشدید کننده این مناقشه چه بوده است؟

*** طرح مسئله**

"قره‌باغ"^۲ یا "آرتساخ"^۳ نام منطقه‌ای کوهستانی در همسایگی شمال غرب ایران و در شمال رود ارس قرار دارد که به دلایل مختلف از دیرباز تاکنون همواره مورد مناقشه و توجه بوده است. در سال ۱۹۸۸ ارمنه قره‌باغ جنگ خود را برای تصرف این زمین‌ها آغاز کردند و با به دست گیری کنترل نواحی قره‌باغ کوهستانی، استانی خودمختار در جمهوری آذربایجان، و اشغال هفت ناحیه پیرامونی آن در خاک جمهوری آذربایجان به عنوان مناطق حایل، موفق شدند حدود یک پنجم اراضی جمهوری آذربایجان را به کنترل خود درآورند. این روند به تدریج از آغاز فروپاشی شوروی تا ۱۹۹۴ ادامه یافت و مقامات این ناحیه خود را یک کشور مستقل می‌دانند، ولی تا امروز هیچ کشوری این "جمهوری خودخوانده" را به رسمیت نشناخته است. سازمان ملل نیز هنوز این ناحیه را بخشی از خاک جمهوری آذربایجان می‌داند و در مکالمات رسمی و غیر رسمی در جهان در هنگام نام بردن از این ناحیه یا رهبران آن، با لفظ "خودمختار" بیان می‌شود. درگیری‌های نظامی اخیر میان نیروهای نظامی جمهوری آذربایجان و ارمنستان بار دیگر موجب شکست امیدها در این دو کشور منطقه قفقاز جنوبی و نیز در سطح بین الملل برای حل مسالمت آمیز مناقشه قره‌باغ شده است. این درگیری‌ها پس از ماه آوریل سال ۲۰۱۶ میلادی بزرگترین عملیات نظامی میان دو طرف درگیر به شمار می‌رود. در درگیری‌های نظامی اخیر، چند نفر از نظامیان دو کشور جان خود را از دست داده‌اند و خسارت‌هایی نیز به برخی روستاهای مرزی در هر دو طرف وارد شده است. این درحالی است که خطر گسترش این درگیری‌ها به مناطق دیگر هم وجود دارد.

^۱ - به تعبیر آذری ها طووز و به تعبیر ارمنی ها طاووش

^۲ - به ترکی آذربایجانی

^۳ - به زبان ارمنی

* جغرافیای منطقه



وسعت

منطقه قره باغ که وسعتی بالغ بر ۴,۳۷۸ کیلومتر مربع دارد، از نظر جغرافیایی و مکانی در مرزهای آذربایجان قرار گرفته است. «قره باغ تاریخی» که «قره باغ کوهستانی» در قسمت شمال آن قرار گرفته، منطقه‌ای کوهستانی میان رود «کور»^۱ در شمال و رود «ارس» در جنوب است. با وجود احاطه قلمرو قره باغ با کوهستان‌های مرتفع و دشواری حمل و نقل و ارتباط به این منطقه؛ منابع و ثروت‌های زیرزمینی ارزشمندی نظیر معادن و جنگل‌ها و زمین‌های حاصلخیز دارد. این منطقه به دلیل پستی و بلندی‌های آن اقلیم مختلفی دارد، ولی بیشتر دارای مناطق زمستانی ملایم و تابستانی گرم و خنک است.^۲

جمعیت

جمعیت این منطقه نزدیک به دویست هزار نفر برآورد شده است که از این میزان ۷۷٪ ارمنی، ۱۵٪ آذری و ۵٪ روس تبار هستند. ترکیب قومی و ادعاهای تاریخی میان دو کشور آذربایجان و ارمنستان باعث شد که مناقشه‌ای طولانی بین طرفین درباره تسلط و حاکمیت بر قره باغ شکل بگیرد.

نواحی

استان قره باغ (به روسی ناگورنو قره باغ) در ترکیب دولت آذربایجان قرار داشت و در ۷ ژوئن سال ۱۹۲۳ تشکیل شد. از نظر اداری به ۵ ناحیه تقسیم می‌شود و دارای ۲ شهر، ۶ شهرک و ۲۲۰ آبادی است. مرکز آن نیز شهر خان کندی است.^۳ از شهرهای مهم این منطقه می‌توان به خان کندی و شوشا اشاره کرد.

* پیشینه مناقشه

ریشه درگیری‌های دو کشور به مسئله ارضی در ناگورنو-قراباغ باز می‌گردد. سرزمینی که در معاهده گلستان از ایران جدا شد و پس از آن همواره (۱۹۰۵-۱۹۱۸-۱۹۸۸) دستخوش رقابت قلمروخواهانه میان نیروهای محلی بود. پیش از این،

^۱ - به ترکی آذربایجانی «کور» و به ترکی استانبولی: «کورا»، نام رودی است که از شرق ترکیه سرچشمه و از رشته کوه های قفقاز، گرجستان و آذربایجان می‌گذرد و به رود ارس می‌پیوندد. طول این رود به ۱۵۵۱ کیلومتر می‌رسد که ۹۰۰ کیلومتر آن از زمین‌های جمهوری آذربایجان می‌گذرد و از دامنه‌های شمالی کوه‌های چالدران و از ارتفاعات ۲۷۴۱ متری آن سرچشمه می‌گیرد.

^۲ - پایگاه خبری - تحلیلی حقایق قفقاز

^۳ - رویداد ۲۴؛ "آتش در شمال مرزهای ایران"، ۱۳۹۹/۴/۲۷

رشته درگیری‌های خونینی در ۱۹۰۵ و ۱۹۱۸ در منطقه صورت گرفته بود که در نهایت به حکمیت بلشویک‌ها و واگذاری منطقه به شکل «خودمختار» به جمهوری سوسیالیستی آذربایجان شوروی منتهی شد. ساختار سیاسی شوروی شکاف‌های موجود را افزایش داد. زیرا سطوح متفاوتی از تقسیمات قدرت در این ساختار پیش‌بینی شده بود که ممکن بود درگیری‌های بین قومی را افزایش دهد. جمهوری خودمختار ناگورنو-قرباغ به دلیل اکثریت ارمنی، به صورت خودمختار در ساختار جمهوری سوسیالیستی آذربایجان شوروی قرار گرفت که دارای قانون اساسی خود بود. این ساختار مشابه عروسک ماتروشکا^۱، ساختارهای جدیدی در دل خود داشت که قدرت را به لایه‌های مختلف تقسیم می‌کرد. از سوی دیگر، قانون اساسی شوروی این اختیار را به جماهیر آن می‌داد که در صورت تمایل از اتحاد شوروی اعلام جدایی کنند. به هنگام انحلال اتحاد شوروی، جمهوری خودمختار ناگورنو-قرباغ نیز مانند سایر جماهیر اعلام استقلال کرد. بر اساس آخرین سرشماری اتحاد شوروی در ۱۹۸۸، ارامنه منطقه ۱۴۵ هزار تن بودند که نزدیک به ۷۶ درصد جمعیت این منطقه است. علی‌حسین اف استاد دانشگاه و سیاستمدار آذربایجانی^۲ این رقم را تایید و تعداد ارامنه ناگورنو-قرباغ را ۷۶،۹ درصد کل جمعیت و تعداد آذربایجانی‌ها را ۲۱،۵ درصد تا زمان آغاز جنگ اعلام می‌کند.^۳

در سال ۱۹۲۳ رهبران شوروی تصمیم مهمی را برای منطقه کوهستانی قره باغ گرفتند. در آن سال قره باغ یک ایالت خودمختار، در ترکیب سیاسی جمهوری آذربایجان شناخته و معرفی شد. هرچند این وضعیت هیچ‌کدام از ارمنی‌ها و آذری‌ها را راضی نمی‌کرد، اما تا زمانی که اتحاد جماهیر شوروی تا سال ۱۹۹۰ پا برجا بود، معمولاً اختلافات حل و فصل می‌شد و به نقطه حادثی نمی‌رسید. اما در زمان گورباچف با اجرای برنامه‌های گلاسنوست^۴ و پروستریکا^۵، فضا برای طرح خواسته‌های قدیمی درباره قره باغ آغاز شد و یکبار دیگر درگیری‌های پراکنده و سپس جنگ همه‌جانبه میان آذربایجان و ارمنستان روی داد. و در سال ۱۹۸۸ خودمختاری ناگورنو قره باغ تصمیم گرفت از آذربایجان جدا شده و به ارمنستان بپیوندد. در آن زمان تعداد ارمنی‌های ساکن به نسبت آذری‌ها بیشتر شده بود. به همین دلیل مقامات این خودمختاری تصمیم به انجام فراندوم گرفتند. این فراندوم در ۱۰ دسامبر سال ۱۹۹۱ با حمایت کامل دولت ارمنستان برگزار شد.

با وجود اینکه این منطقه کاملاً در داخل خاک آذربایجان قرار داشت، ولی مردم آن طی این فراندوم خواستار کسب استقلال کامل از آذربایجان شدند که این امر به جنگ تمام‌عیار میان دو کشور از ۲۰ فوریه سال ۱۹۸۸ تا می ۱۹۹۴ انجامید و باعث کشته و آواره شدن بسیاری دیگر شد.

۱ - ماتریوشکا (Matryoshka) که گاهی آن را حتی ماتروشکا هم می‌خوانند، عروسک روسی است. این عروسک بامزه و زیبا، تنها یک عدد عروسک نیست بلکه در درون آن چندین و چند عروسک دیگر با شکل و شمایل مخصوص به خودشان و همچنین پیامی مجزا قرار گرفته است. در واقع به این عروسک‌ها که به آن‌ها عروسک‌های تو در تو نیز گفته می‌شود، مجموعه‌ای از عروسک‌های کوچک شونده قرار گرفته است که به ترتیب داخل دیگری قرار می‌گیرد. این عروسک‌های توخالی و از درون تهی روسی از چوب درخت زیرفون که به آن چوب کُپ نیز می‌گویند، ساخته شده است.

۲ - معاون رئیس‌جمهور آذربایجان

۳ - وبسایت خبری-تحلیلی آذری‌ها، تحلیل ژئوپلیتیک مناقشه جولای ۲۰۲۰ بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان/سالار سیف‌اللهی، ۱۳۹۹/۵/۱۲

۴ - فضای باز سیاسی

۵ - فضای باز اقتصادی



از سال ۱۹۹۴ تا کنون در منطقه قره‌باغ و مرزهای مشترک آذربایجان و ارمنستان وضعیت «نه جنگ و نه صلح» برقرار است. در طول این سال‌ها هر از چند گاهی درگیری‌های پراکنده‌ای بین دو کشور روی داده که آخرین آن قبل از درگیری اخیر نیز مربوط به دوم آوریل ۲۰۱۶ (۱۴ فروردین ۱۳۹۵) است. در این درگیری آذربایجان با یک حمله برق‌آسا توانست سیصد کیلومتر مربع اراضی را بدست آورد. گفته می‌شود این اراضی حدود ۱۰-۱۲ هزار کیلومتر مربع است که در حدود ۲۰٪ از خاک آذربایجان را شامل می‌شود. این بحران از سال ۱۹۹۰ تاکنون باعث بی اعتبار شدن سازمان ملل متحد و به تبع آن شورای امنیت شده است. زیرا شورای امنیت درباره این بحران ۴ قطعنامه صادر کرده ولی هیچ‌کدام نتوانسته به حل و فصل بحران کمکی کند.^۱

*قطعنامه های شورای امنیت درباره قره باغ^۲

شورای امنیت سازمان ملل تاکنون چهار قطعنامه و پارلمان اروپا یک قطعنامه درباره مناقشه قره باغ صادر کرده است.

ردیف	قطعنامه	موضوع	تاریخ
۱	۸۲۲	در این قطعنامه بر غیر قابل قبول بودن تغییر مرزهای بین المللی و ممنوعیت توسل به زور در تصرف سرزمین های دیگر کشورها تاکید شده و در بند یک آن خواستار توقف هرچه فوری همه مخاصمات و فعالیت‌های خصمانه و بر قراری آتش بس دائم و همچنین خروج فوری نیروهای اشغالگر از کلبجر و سایر نقاط اشغالی جمهوری آذربایجان شده است.	۳۰ آوریل ۱۹۹۳
۲	۸۵۳	این قطعنامه بر حاکمیت و تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان و سایر کشورهای منطقه تاکید شده است. در بند یک این قطعنامه، تصرف منطقه آقدام و سایر مناطقی که در آن زمان از قلمرو جمهوری آذربایجان به اشغال در آمده است، محکوم شده است. در بند ۳ همین قطعنامه نیز توقف فوری همه مخاصمات و عقب نشینی بی قید و شرط نیروهای اشغالگر از منطقه آقدام و دیگر مناطق اشغالی آذربایجان آمده است. در بند نهم نیز از دولت ارمنستان خواسته شده است که با اعمال نفوذ موثر بر قره باغ جهت رسیدن به توافق در اجرای قطعنامه ۸۲۲ و ۸۵۳ و پذیرش طرح پیشنهادی گروه مینسک توسط طرف ارمنی اقدام کند.	۲۹ ژوئیه ۱۹۹۳
۳	۸۷۹	در این قطعنامه بار دیگر بر قطعنامه های ۸۲۲ و ۸۵۳ تاکید شده است. در بند اول از طرفین خواسته شده است با گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری در اروپا برای برقراری آتش بس دائم و موثر با	۱۴ اکتبر ۱۹۹۳

^۱ - رویداد؛ ۲۴؛ پیشین

^۲ - خبرگزاری صدا و سیما، نگاهی به پیشینه و علل مناقشه قره باغ؛ مقدم، ۱۳۹۵/۱/۱۹

	همکاری و مساعدت فدراسیون روسیه همکاری کنند. در بند ۱۲ آمده است که موضوع اشغال اراضی جمهوری آذربایجان به صورت فعال در شورای امنیت مورد بررسی قرار گیرد.		
۱۲ نوامبر ۱۹۹۳	در این قطعنامه از تشدید مخاصمات مسلحانه به عنوان نقض آتش بس و کاربرد نیروی نظامی در پاسخ به این نقض، به ویژه منطقه زنگیلان و هورادیز جمهوری آذربایجان ابراز نگرانی شده و بر حاکمیت و تمامیت ارضی تأکید و بر غیر قابل تغییر بودن مرزهای بین المللی و ممنوعیت توسل به زور جهت تصرف سرزمین دیگران تأکید شده است. در بند دوم از دولت ارمنستان می خواهد از نفوذ خود بر ارامنه قره باغ برای به دست آوردن رضایت آنان استفاده نموده و با اتکا به قطعنامه های ۸۲۲، ۸۵۳ و ۸۷۴ تضمین نماید که عوامل درگیر در مناقشه از عملیات استفاده ننمایند.	۸۸۴	۴
نشست ۲۳ اکتبر پارلمان اروپا	پارلمان اروپا در استراسبورگ به اصلاحیه قطعنامه‌ای در خصوص تقویت روابط با کشورهای عضو "برنامه همسایگی شرقی" و همچنین موفقیت‌ها و ناکامی‌های موجود رای مثبت داد. در متن این قطعنامه به ویژه تأکید شده، که حل مناقشه قره باغ باید بر اساس چهار قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل که در سال ۱۹۹۳ و بر اساس اصول گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا و اصول مندرج در بیانیه مشترک ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۹ در لاکویلا، صورت پذیرد.	قطعنامه استراسبورگ	۵

مدل درگیری قره‌باغ

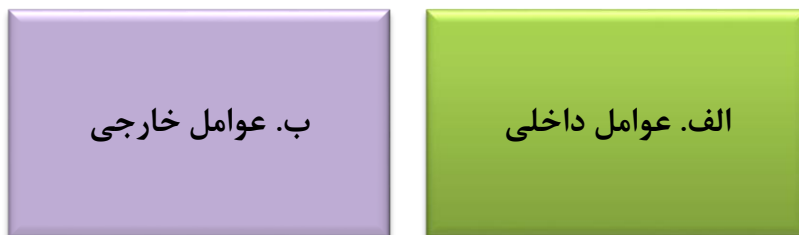
مدل درگیری قره‌باغ بین ارمنستان و آذربایجان ریشه در تاریخ دوره امپراتوری روسیه، اتحاد جماهیر شوروی و فدراسیون روسیه دارد. مهم‌ترین مدل شبیه به قره‌باغ را در کشمیر می‌توان یافت. در قره‌باغ یک کشور مسلمان، یعنی آذربایجان، با یک کشور غیرمسلمان، یعنی ارمنستان درگیر منطقه‌ای هستند که هر یک ادعای مالکیت آن را دارند. از آن جهت که ساکنان این منطقه حدود ۸۰ درصد ارمنی می‌باشند، پس نباید جزء آذربایجان باشند! اگر این استدلال منطقی باشد، آن وقت باید شاهد ادعای الحاق سمرقند و بخارا از ازبکستان به تاجیکستان بود. مسئله کشمیر سابقه‌ای قدیمی‌تر از مسئله قره‌باغ دارد؛ یک طرف مسلمان، یعنی پاکستان و یک طرف کشور غیرمسلمان، یعنی هند، بر سر یک مسئله باهم درگیر هستند. اگر قرار بود این مسئله و این مدل حل شود و از تجربه‌ای آن برای تعمیم به مناطق دیگر بهره گرفته شود، می‌توانست موفقیت‌آمیز باشد. ولی متأسفانه نه تنها مسئله کشمیر حل نشده بلکه درگیری‌ها عمیق‌تر شده و این بار چین هم وارد کارزار شده است. اگر این منطقه را به پاکستان بدهند، هند اختلاف خواهد داشت و اگر به هند برسد، پاکستان ناراضی خواهد بود. قره‌باغ هم همین است که اگر به ارمنستان داده شود، آذربایجان ناراضی می‌شود و برعکس. یعنی وضعیت "استخوان لای زخمی" شده که از اول نباید می‌شد و شد و الان در وضعیت کنونی، مگر خود مردم به این باور برسند که شرایط را عوض کنند؛ دولت‌ها به زور نمی‌توانند. ارمنستان سر این موضوع برای خودش حیثیت دارد و آذربایجان هم خودمختاری را قبول نمی‌کند.^۱

متغیرهای مداخله‌گر و شعله‌ور شدن جنگ

هر چند گفته می‌شود پس از درگیری‌های نظامی چند روزه اواسط تیرماه (حدود سه ماه پیش) بین نیروهای جمهوری آذربایجان و ارمنستان که منجر به تلفات جانی نزد هر دو طرف شد، جنگ لفظی و برخی تحرکات دیپلماتیک به تنش در منطقه قفقاز دامن زده و بروز برخورد نظامی میان این دو کشور را قابل پیش‌بینی می‌کرد، لیکن پیشینه موضوع بویژه در

^۱ - امروز آنلاین به نقل از روزنامه شرق و مصاحبه با دکتر بهرام امیراحمدیان، ۱۳۹۹/۵/۱۹

ماه‌های اخیر حکایت از پررنگ بودن برخی متغیرهای دخیل در عرصه‌های ملی و فراملی در این دو کشور جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی، در تداوم بحران داشته و دارد.



از این رو از دلایل مهمی که باکو - ایروان بر سر حل این اختلاف قدیمی کوتاه نمی‌آیند، وجود متغیرهای مداخله‌گر است. در این میان هرچند ترکیه به دلیل سیاست‌های پان‌ترکیسم از آذربایجان حمایت کرده، لیکن بیش از همه باید واکاوی هر چند اجمالی نقش و تحریک برخی کشورهای فرامنطقه‌ای تنش‌زا در منطقه که امکان صلح و آرامش را در منطقه گرفته‌اند، اشاره کرد. آمریکا و رژیم صهیونیستی دو کشور اثرگذار در ناامنی منطقه بوده و هستند. واشنگتن و تل‌آویو در تلاشند تا با نفوذ در منطقه نه تنها هر چه بیشتر به مرزهای روسیه و ایران نزدیک شوند، بلکه با تنش‌آفرینی و جنگ در منطقه هم‌جا پای برای خود باز کنند و هم به فروش جنگ افزارهای انباشته شده در انبارهای خود بپردازند.

معاونت سیاسی
صدا و سیما

الف. عوامل داخلی



بحران اقتصادی و اجتماعی ناشی از کرونا

شیوع بیماری کرونا در هر دو کشور و توصیه‌های سازمان‌ها و مقامات غربی به باکو و ایروان مبنی بر خودداری از هر گونه اقدام نظامی در شرایط همه‌گیری بیماری کرونا، نوعی راحتی خیال در هر دو طرف مبنی بر اینکه طرف مقابل تحرک نظامی جدی نخواهد داشت، ایجاد کرده بود. اما در داخل هر دو کشور، مخالفان دولت این تحلیل را مطرح می‌کردند که به علت وخامت اوضاع اقتصادی و مالی و بحران عمومی ناشی از شیوع کرونا، ممکن است حکومت با تحرک نظامی در مقابل دشمن، اذهان و افکار عمومی را متوجه دشمن خارجی کند تا فضای تنفسی برای خود در پیشبرد امور به دست آورد.^۱ از این منظر دولت‌های الهام علی‌اف و پاشینیان، هر دو برای سرپوش گذاشتن بر ناتوانی‌شان در حل مشکلات اقتصادی و معیشتی در داخل تمایل داشتند در مسئله قره‌باغ، نوعی ماجراجویی انجام دهند تا توجه عمومی را از ناتوانی خود در حل مسائل داخلی منحرف سازند. بعضی از فعالان سیاسی جمهوری آذربایجان از جمله توفیق ذوالفقاراف، وزیر خارجه سابق و الهام اسماعیل، مامور امنیتی سابق خواستار شده بودند که به خاطر درگیر بودن ارمنستان با بحران کرونا

^۱ - وبسایت خبری - تحلیلی آذری‌ها، علل احتمالی درگیری جدید میان ارتش جمهوری آذربایجان و ارمنستان/ برهان حشمتی، ۱۳۹۹/۴/۲۴

و احتمال ضعیف دخالت روسیه و سایر قدرت‌های صاحب نفوذ در مسئله قره باغ، جمهوری آذربایجان اقدامات نظامی را دستکم در حد بازپس‌گیری چند منطقه انجام دهد.

موقعیت ژئوپلیتیک تاووش

این موضوع بویژه به درگیری‌های ماه جولای در حدود سه ماه پیش باز می‌گردد. در آن مقطع تصور می‌شد که نیاز سیاسی دولت علی‌اف و نیاز ژئوپلیتیکی ارتش برای در اختیار گرفتن برخی ارتفاعات در تاووش جهت حراست از محور مواصلاتی باکو - گنجه - تفلیس نیز سبب شد تا آذربایجان از درگیری نظامی اخیر استقبال کند. به ویژه آنکه دولت باکو با تحلیل نادرست از وضعیت ایروان که در ایام کرونایی با از دست دادن بخش زیادی از درآمدها به خصوص در حوزه گردشگری دچار آشفستگی اقتصادی بود، تصور می‌کرد در عملیاتی برق آسا امکان تصرف چند نقطه اشغالی را دارد و علاوه بر دستاورد نظامی به دستاورد سیاسی نیز دست پیدا می‌کند تا غرور ملی آذری‌ها را احیا کند. این در حالی است که نسل جدید در جمهوری آذربایجان از اینکه ارتش این کشور در مقابل ارمنستان نتوانسته است حقوق آذری‌ها را اعاده کند و به رغم بالا بودن توان مالی و جمعیت جمهوری آذربایجان همچنان بخشی از خاک این کشور در اشغال ارامنه است نه تنها احساس ناخوشایند و حتی سرافکنندگی می‌کنند. از این رو در حملات بامداد یکشنبه باکو سریعاً اقدام به آتش سنگین بر روی نیروهای ایروان کرد که به کشته و زخمی شدن حدود ۱۲۰ نفر^۱ انجامید.

پژوهش
معاونت سیاسی
صدا و ستا

ب. عوامل خارجی



آمریکا

آمریکا در تشدید بحران در قره باغ ذینفع است. ایجاد تنش در مرزهای روسیه و جمهوری اسلامی ایران می‌تواند فرصتی را برای واشنگتن فراهم کند که به دخالت‌های خود در منطقه ادامه داده و تمرکز ایران و روسیه را از مناطقی چون غرب آسیا به سمت قفقاز معطوف سازد. بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که روسیه برای سد کردن زیاده‌خواهی‌های آمریکا در حوزه قفقاز^۲، ابتکاراتی را از جانب جمهوری آذربایجان به کار خواهد بست. چرا که در سال‌های اخیر دست‌اندازی‌های آمریکا به قفقاز چه به لحاظ معادلات نظامی و حضور و مانورهای ناتو در گرجستان و چه به لحاظ به قدرت رسیدن نیروهای غربگرا در ارمنستان، پیشروی‌هایی را برای واشنگتن دربر داشته است و خواه ناخواه روسیه برای سد کردن آن اقدام می‌کند. این در حالی است که در کنار معادلات مختص قفقاز، این منطقه و دریای خزر و خاک برخی کشورهای آسیای مرکزی نیز بر اثر معامله‌ها و توافق‌های پشت پرده با آمریکا به مسیر حمل و نقل نظامی و تسلیحاتی آمریکا به افغانستان نیز تبدیل

۱- گفته می‌شود ۱۶ کشته و ۱۰۰ زخمی.

۲- زیاده‌خواهی‌های آمریکا بخصوص در حوزه گرجستان و ارمنستان به نفع واشنگتن تمام شده است.

شده است. یکی از آخرین موارد پیشروی نیروهای خطرناک برای منافع روسیه و سایر کشورهای منطقه در قفقاز نیز متقاعد کردن دولت غربگرای ارمنستان به گشایش سفارت در رژیم صهیونیستی بوده است.^۱ در حالی که در ظاهر اولین درگیری‌ها از بامداد روز ۶ مهر (۱۳۹۹) آغاز شده، اما دو روز پیش از آن سفارتخانه‌های آمریکا در باکو و ایروان، در بیانیه‌ای از تمامی شهروندان آمریکایی خواستند تا به منطقه مورد اختلاف وارد نشوند، آیا کاخ سفید از وقوع درگیری‌ها خبر داشته است؟ و مهم تر آنکه دولت آمریکا چگونه از بروز دوباره درگیری‌ها در این منطقه با خبر بوده است؟

رژیم صهیونیستی

در شرایط موجود که وضعیت اقتصادی جهان به دلیل شیوع ویروس کرونا نامساعد است این امر برای رژیم صهیونیستی یک فرصت است و همچنین با تشدید درگیری‌ها و به کارگیری سلاح‌ها به خصوص هواپیماهای بدون سرنشین فروخته شده به باکو، ارمنستان هم به تعاملات نظامی با رژیم صهیونیستی ترغیب می‌شود. همچنین گفته می‌شود پیش از درگیری‌های ماه جولای (واسط تیرماه)، خبری مهم در فضای رسانه‌ای ارمنستان و جمهوری آذربایجان منتشر شد که از ورود عملیاتی رژیم صهیونیستی به مناقشه موجود ارمنستان و جمهوری آذربایجان حکایت داشت.

***ناکامی گروه مینسک در حل بحران**

میانجی‌گری بین‌المللی و برقراری آتش بس گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا ۲ در طی سال‌های ۱۹۹۴ و ۲۰۰۴ میلادی میان ارامنه و آذری‌ها برای حل مسالمت‌آمیز این مناقشه تا به حال نتیجه‌ای نداشته است. کارشناسان بر این باورند که ترکیب مسیحی گروه میانجی مینسک به همراه مواضع متضاد بازیگران از جمله روسیه و آمریکا از عوامل اصلی ناکارآمدی این گروه به شمار می‌رود. در حل مناقشات بین‌المللی شرط اول و اساسی برای حل عادلانه و مسالمت‌آمیز یک مناقشه «تعیین ترکیب عادلانه اعضای گروه میانجی بر سر میز مذاکره» است. امری که به هیچ عنوان در تعیین ترکیب گروه مینسک رعایت نشده است.^۳

۱ - خبر آنلاین، قره‌باغ، در آستانه یک جنگ تمام عیار؟ ۱۳۹۹/۴/۲۷

۲ - متشکل از نمایندگانی از یک کشور منطقه‌ای، یعنی روسیه، و دو کشور خارج از منطقه، یعنی فرانسه و آمریکا

۳ - پایگاه خبری - تحلیلی قفقاز، ۱۸ / ۱۱ / ۱۳۹۶

گریزی بر اظهارات مقامات و کارشناسان سیاسی مبنی بر ناکارآمدی گروه مینسک

الهام علی اف، رئیس جمهوری آذربایجان^۱: گروه مینسک تا به حال به تلاش‌های ارمنستان برای تغییر شکل مذاکرات و تأکید این کشور بر این که جمهوری آذربایجان باید مذاکرات مستقیم با تجزیه‌طلبان منطقه «قره باغ کوهستانی» داشته، پاسخ مناسبی نداده است ... مناقشه قره باغ باید در قالب تأمین تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان حل و فصل شود. ما اجازه تأسیس یک دولت ارمنی در خاک جمهوری آذربایجان را نخواهیم داد.^۲

رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه: برادران خود (جمهوری آذربایجان) را هرگز تنها نخواهیم گذاشت. در حالی که قره باغ تحت اشغال است، گروه مینسک حدود ۲۵-۳۰ سال موضوع را روی میز رها کرده است.^۳

آنجلینو آلفانو، وزیر امور خارجه ایتالیا: گروه مینسک برای حل و فصل این مناقشه مناسب نیست، مناقشه قره باغ کوهستانی باید در چارچوب اصول مادرید و به صورت مسالمت آمیز حل و فصل شود؛ گروه مینسک تنها گروه و یا سازمان موثر در حل و فصل این مناقشه نیست.^۴

احمد محمدلی کارشناس مسائل سیاسی آذربایجان: همه می‌دانند که گروه مینسک قادر به حل و فصل مناقشه قره باغ کوهستانی نبوده و نخواهد بود. دولت آذربایجان پس از انتشار اظهارات وزیر امور خارجه ایتالیا باید خواستار تغییر اوضاع این گروه و اضافه شدن کشورهای ترکیه و قزاقستان به گروه مینسک شود. قطعاً خود ایتالیا نیز خواهان حضور در گروه مینسک است.^۵

آینده درگیری‌ها

در حال حاضر به نظر می‌رسد انرژی که جمهوری آذربایجان و ارمنستان برای درگیری انباشته بودند، چه به لحاظ سیاسی و چه به لحاظ روحی و روانی و نظامی تخلیه شده و فعلاً احتمال توقف درگیری محتمل تر است. البته، با توجه به نفرت قومی میان دو کشور که با گذشت زمان بر حجم آن افزوده می‌شود، هر لحظه احتمال درگیر شدن محدود میان طرفین وجود دارد.

هر چند چشم اندازی برای بروز جنگ تمام عیار وجود ندارد اما با این حال مناقشه قره باغ همچنان حل نشده و منطقه مستعد درگیری‌های جدید باقی خواهد ماند زیرا نفع همه بازیگران داخلی و خارجی در تداوم مناقشه است. بنابراین تا زمانی که همه طرف‌ها از تداوم مناقشه سود می‌برند و حل و فصل آن را به ضرر خود تلقی می‌کنند، مناقشه ادامه پیدا خواهد کرد. ضمن آنکه تعارض منافع میان بازیگران متعدد در هر بحران یا مناقشه به تطویل آن منجر خواهد شد.

به هر تقدیر آنچه مسلم است این مناقشه برای جمهوری آذربایجان به «حیثیت سیاسی و ملی» تبدیل شده است که کوتاهی درباره آن هر دولتی را در جمهوری آذربایجان به بی‌ارادگی و ناتوانی در بازگشت خاک از دست رفته به وطن متهم می‌کند. در طرف دیگر نیز قره باغ برای آرامنه رنگ هویتی گرفته است. از این رو ایروان هیچ علاقه‌ای برای از دست دادن این خاک ندارد زیرا اگر چنین اتفاقی رخ بدهد قره باغ برای ارمنستان تبدیل به یک «عقد هویتی» خواهد شد. لذا باید دید گزینه‌های جایگزینی برای جبران این «حیثیت ملی» از یک سو و «بحران هویتی» از سوی دیگر مطرح خواهد شد و مهم تر از آن آیا کارساز خواهد بود؟^۶

۱ - علی اف همچنین با تأکید بر نشست آنالین اخیر وزیران امور خارجه جمهوری آذربایجان و ارمنستان با میانجیگری روسای گروه مینسک آن را بی‌نتیجه عنوان کرد و گفت که این چیزی به غیر از یک نمایش فعالیت از سوی گروه میانجی مینسک نبوده است.

۲ - انتقاد علی اف از فعالیت گروه میانجی مینسک برای حل مناقشه قره باغ، ایرنا، ۱۳۹۹/۵/۲۵

۳ - پایگاه بین المللی همکاری‌های شیعه (شفقنا)، ۱۳۹۹/۴/۲۷

۴ - پایگاه خبری - تحلیلی قفقاز، ۱۳۹۶/۱۱/۱۸

۵ - همان

۶ - برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: خبرگزاری صدا و سیما، پیشین.

نقش ایران در حل بحران قره باغ

واقعیت آن است که ایران در طول ۳۰ سال گذشته در تنش‌ها میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان همواره نقش فعال و مثبتی داشته است. به نظر می‌رسد در شرایطی که روسیه و ترکیه به‌عنوان دو کشور مهم دیگر منطقه، به طرفداری یکی از جناح‌های درگیر متهم هستند، هیچ کشوری مانند ایران به دلیل ارتباط و تعادل در مناسبات با طرفین و همسایگی با آن‌ها برای حل و فصل این موضوع گزینه مناسبی نخواهد بود. جمهوری اسلامی ایران با توجه به جایگاه منطقه‌ای، تاریخی و فرهنگی در هر دو کشور مذکور، با رعایت اصل انصاف و دوری گزیدن از افراط و تفریط در زمینه برخی مباحث قومی و تاریخی، می‌تواند در نقش برادر بزرگ‌تر وارد شده و برای کاهش تنش‌ها نقش آفرینی کند. لیکن در مجموع سیاست جمهوری اسلامی ایران در این مناقشه به رسمیت شناختن مرزهای بین‌المللی است و همواره نظام خواهان حل مناقشه قره‌باغ به صورت مسالمت‌آمیز بوده و هست. لیکن موضع اعلامی جمهوری اسلامی ایران تأکید بر دو محور ذیل است:



به همین منظور محمد جواد ظریف یکشنبه شب (۶/مهر/۱۳۹۹) در گفتگوی تلفنی جداگانه با "جیحون بایراموف" وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان و "زهرا مناتسکانیان" وزیر امور خارجه ارمنستان ضمن اطلاع از آخرین وضعیت و شرایط میدانی و همچنین ابراز نگرانی از شرایط بوجود آمده، دوطرف را به خویشتنداری، آتش بس و پایان فوری خصومت‌ها و همچنین آغاز مذاکره در چارچوب حقوق و قوانین بین‌المللی دعوت کرد. وزیر امور خارجه کشورمان همچنین آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای استفاده از تمام ظرفیت‌های خود به منظور برقراری آتش بس، آغاز گفتگو و استقرار صلح و آرامش را به دو طرف اعلام کرد.^۱ ظریف همچنین در پیام توییتری به زبان انگلیسی نوشت: "ایران به دقت خشونت هشدارآمیز در منطقه قره باغ را زیر نظر دارد. ما از همه طرف‌ها خواستار پایان سریع خصومت‌ها و گفتگو برای حل اختلافات هستیم. همسایگان ما اولویت ما هستند و ما آماده فراهم کردن شرایطی خوب برای گفتگوها هستیم. منطقه ما اکنون به صلح و آرامش نیاز دارد".^۲

جمع بندی

ریشه تنش‌های اخیر در قفقاز را باید در چند مسئله جست‌وجو کرد. هر چند در وهله نخست واقعیت تاریخی منطقه بستر اصلی مناقشه و تنش را فراهم کرده است، لیکن در این میان بازیگران ذی نفوذ در "وقوع"، "امتداد" و "شعله‌ورتر شدن درگیری" میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان را نباید نادیده انگاشت. به عبارتی آتش زیر خاکستر ماندن این بحران را می‌بایست بیش از همه در قدرت‌های فرامنطقه‌ای و مداخله گسترده جستجو کرد. در همین راستا به نظر می‌رسد که آمریکا با واسطه‌گری رژیم صهیونیستی برای فشار به روسیه ایفای نقش کرده است. از سویی دیگر تحریک و تحرکات زیاد رژیم صهیونیستی در منطقه قفقاز، حاکی از ناامن کردن این منطقه از سوی صهیونیست‌ها است. افزایش ناامنی نه تنها می‌تواند به افزایش تحرکات تروریستی در این منطقه منجر شود؛ چیزی که بیش از همه به سود تل‌آویو است، بلکه تنش، درگیری و ناامنی بیشتر در منطقه شرایط مناسبی را برای این رژیم از جهاتی چون؛ "فروش اسلحه"، "نفوذ"، "یارگیری"، "اعمال فشار به روسیه" و ... فراهم می‌کند.

^۱ - پایگاه خبری-تحلیلی مثلث، ۱۳۹۹/۷/۷

^۲ - اسپوتنیک، ۲۰۲۰/۹/۲۸

همچنین روند درگیری های نظامی، ناتوانی گروه میانجی مینسک را به اثبات رسانده که به همین علت انتخاب یک فرمت جدید میانجیگری برای برقراری صلح در منطقه با حضور فعال کشورهای منطقه و به ویژه کشورهای بی طرف بیش از پیش ضرورت پیدا می کند.

